

گزارش دفتر دادستانی دیوان کیفری بین المللی درباره وضعیت افغانستان

سال ۲۰۱۵ میلادی



مرکز حقوق کیفری بین المللی ایران
Iranian Center for
International Criminal Law

آن سال از قدرت برکنار شد. در دسامبر ۲۰۰۱، تحت نظارت سازمان ملل، یک دولت موقت در افغانستان تشکیل شد. در بازه می تا ژوئن ۲۰۰۲، یک دولت انتقالی جدید افغان، حاکمیت را دوباره به دست گرفت؛ لیکن درگیری ها در مناطق مشخصی از کشور، عمدتاً در جنوب، ادامه یافت. در نتیجه، شورای امنیت سازمان ملل، در قطعنامه ی ۱۳۸۶ نیروی بین المللی کمک به امنیت (ISAF) (ایساف) را تشکیل داد که بعدها تحت فرماندهی ناتو قرار گرفت.

۱۱۴. طالبان و سایر گروه های نظامی، از سال ۲۰۰۳ میلادی نفوذ خود را به خصوص در جنوب و شرق افغانستان بازسازی کردند. دست کم از سال ۲۰۰۵ میلادی، مخاصمه مسلحانه در استان های جنوبی و شرقی افغانستان بین گروه های سازمان یافته مسلح، به طور خاص طالبان، و نیروهای نظامی افغانستان و نیروهای بین المللی، شدت گرفت. این مخاصمه بعدها به نقاط شمال و غرب افغانستان از جمله ی نواحی پیرامون کابل نیز گسترش یافت. امروزه نیروهای دولت افغانستان با گروه های مسلحی که عمدتاً طالبان، شبکه ی حقانی و حزب اسلامی گلبدین (HI G) می باشند، در حال مبارزه است. نیروهای بین المللی که برای حمایت از دولت افغانستان مستقر شده بودند، مأموریت نظامی خود را در دسامبر ۲۰۱۴ میلادی پایان دادند اگرچه این نیروها در تعداد کمتری، و عمدتاً در نقش آموزشی، مشاورتی و امدادی در افغانستان باقی مانده اند.

صلاحیت موضوعی

۱۱۵. وضعیت موجود در افغانستان معمولاً به مثابه یک مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی میان دولت افغانستان، که توسط ایساف و نیروهای ایالات متحده حمایت میشود

پیشینه ی شکلی

۱۱۱. دفتر دادستانی دیوان، ۱۱۲ گزارش طبق ماده ۱۵ اساسنامه در ارتباط با وضعیت افغانستان دریافت کرده است.^۱ ارزیابی مقدماتی^۲ وضعیت افغانستان در سال ۲۰۰۷ اعلان رسمی شد.

موضوعات مقدماتی در ارتباط با صلاحیت

۱۱۲. افغانستان، سند تصویب اساسنامه ی رم را در تاریخ ۱۰ فوریه ی ۲۰۰۳ (۲۱ بهمن ۱۳۸۱ ه.ق) تودیع نمود. بنابراین دیوان کیفری بین المللی نسبت به جرایم مندرج در اساسنامه ی رم که در قلمروی سرزمینی افغانستان و یا توسط اتباع آن، از اول می سال ۲۰۰۳ میلادی (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲ ه.ق) به بعد ارتکاب یافته باشند، صلاحیت دارد.

زمینه و زمانه وضعیت افغانستان^۳

۱۱۳. بعد از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در واشنگتن دی سی و نیویورک، ائتلافی به رهبری آمریکا حملات هوایی و عملیات زمینی در افغانستان علیه طالبان، که مشکوک به پناه دادن به اسامه بن لادن بود، آغاز کرد. طالبان در پایان

^۱ برابر با ماده 15 اساسنامه رم تمام اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی می توانند نسبت به وقوع جرایم داخل در صلاحیت دیوان نزد دادستانی دیوان اعلام جرم کنند.
^۲ ارزیابی مقدماتی فرایندی است که در آن دادستان دیوان کیفری بین المللی بر اساس اطلاعات اکتسابی بررسی می کند که آیا شرایط مقرر در اساسنامه رم برای آغاز تحقیقات نسبت به یک وضعیت وجود دارد یا خیر. این شرایط عبارتند از صلاحیت داشتن دیوان، قابل پذیرش بودن وضعیت مورد نظر و عدم مغایرت آغاز تحقیقات با عدالت.

^۳ وضعیت بحرانی است که در یک بازه زمانی و قلمروی مکانی معین رخ می دهد و آستانه حوادثی است که در بستر آن جرایم داخل در صلاحیت دیوان رخ می دهد. هر وضعیت دربردارنده تعدادی پرونده می باشد که دارای اتهام و متهم مشخصی هستند.

غیر نظامی بوده اند در حالی که نیروهای طرفدار دولت نسبت به مرگ حداقل ۳ هزار و پانصد غیر نظامی دارای مسوولیت بوده اند. تعدادی از قتل‌های گزارش شده هم چنان بدون شناسایی مسئول باقی مانده اند.

۱۱۹. در پی یک روند که اولین بار در سال ۲۰۱۴ مشاهده شد، درگیری‌های زمینی و تیراندازی‌های متقابل بین گروه‌های مخالف دولت و نیروهای طرفدار دولت، علت اصلی تلفات غیر نظامیان در زمان انجام گزارش بوده است. در حالی که در سالهای گذشته، اکثر غیر نظامیان توسط مواد منفجره دست‌ساز کشته و زخمی شده بودند هیات امدادی ملل متحد گزارش کرده است که در نیمه اول سال ۲۰۱۵، طالبان مسئولیت ۲۳۹ رخداد که منجر به آسیب دیدن ۱۰۰۲ غیر نظامی شد (۲۵۹ کشته و ۷۴۳ مجروح) را برعهده گرفته است. این هیات همچنین یک افزایش چشم‌گیر در تعداد قتل‌های هدف‌گیری شده و ربایش‌ها صورت گرفته توسط گروه‌های مخالف دولت و نیروهای طرفدار دولت را در زمان انجام گزارش مستند سازی کرده است. طبق گزارش‌های به دست آمده، از سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۰۰۰ زن و ۲۳۰۰ کودک در نتیجه مخاصمه مسلحانه جاری کشته شده اند.

۱۲۰. در جریان بازپس‌گیری شهر کوندوز توسط طالبان و درگیری‌های متعاقب آن (۲۸ سپتامبر - ۳ اکتبر ۲۰۱۵)، از سوی منابع متعدد، ارتکاب جرایم جنگی از طریق قتل، تجاوز جنسی و اتلاف اموال توسط طالبان و گروه‌های مسلح وابسته مخالف دولت گزارش شد. در ۳ اکتبر ۲۰۱۵ میلادی (۱۱ مهر ۱۳۹۴)، بمباران هوایی بیمارستان پزشکان بدون مرز (MSF) در کوندوز توسط نیروهای مسلح آمریکا، بنابر ادعا، منجر به کشته شدن ۲۲ نفر شامل ۱۲ تن از اعضای کارمندان پزشکان بدون مرز و ۱۰ بیمار و تخریب قسمتی از بیمارستان شد. "هدایت قاصدان حملات علیه بیمارستان‌ها و مکان‌های گردآوری بیماران و مجروحان مشروط بر اینکه اهداف نظامی نباشند" مطابق با پاراگراف دوم ماده هشت اساسنامه ی رم جرم جنگی محسوب می‌شود. این حادثه، بنابر گزارشات، مورد تحقیق توسط ناتو، وزارت دفاع آمریکا و مشترکاً دولت‌های افغانستان و ایالات متحده می‌باشد. اتهامات ارتکاب یافته در کوندوز در سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۵ توسط دفتر دادستانی مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت.

(نیروهای طرفدار دولت) از یک طرف، و گروه‌های مسلح غیر دولتی، خصوصاً طالبان (گروه‌های مخالف دولت) از طرف دیگر، در نظر گرفته می‌شود. مشارکت نیروهای بین‌المللی، ماهیت غیر بین‌المللی این مخاصمه را البته تغییر نمی‌دهد چرا که این نیروها برای حمایت از «دولت انتقالی افغانستان» که در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲ تشکیل شد، درگیر مخاصمه شدند.

۱۱۶. همانطور که در گزارش قبل به طور مفصل بحث شده است، دفتر دادستانی دیوان تشخیص داده است که اطلاعات موجود مبنای معقولی فراهم می‌آورد برای اعتقاد به اینکه جرایم مذکور در مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم در وضعیت افغانستان، ارتکاب یافته است؛ این جرایم شامل جرایم علیه بشریت از طریق قتل طبق ماده ۷(۱)(a)؛ زندانی کردن و یا سایر محرومیت‌های شدید از آزادی‌های فیزیکی طبق ماده ۷(۱)(e)؛ و همچنین جرم قتل طبق ماده ۸(۲)(c)(i)؛ و رفتار بی‌رحمانه طبق ماده ۸(۲)(c)(i)؛ هتک کرامت افراد طبق ماده ۸(۲)(c)(i)؛ صادر کردن احکام و اجرای مجازات‌های اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی تشکیل شده باشد طبق ماده ۸(۲)(c)(i)؛ هدایت عمدی حملات علیه جمعیت غیر نظامی یا علیه افراد غیر نظامی طبق ماده ۸(۲)(e)(i)؛ هدایت عمدی حملات علیه کارکنان تاسیسات، مواد، واحدها یا وسایل نقلیه ای که در کمک‌رسانی بشردوستانه طبق ماده ۸(۲)(e)(ii)؛ هدایت عمدی حملات علیه ساختمانهایی که برای آموزش، اهداف فرهنگی، مکانی برای عبادت و رسوم مشابه اختصاص یافته شده اند طبق ماده ۸(۲)(e)(v)؛ خائنانه کشتن یا زخمی کردن رزمندگان دشمن طبق ماده ۸(۲)(e)(x)(i).

۱۱۷. دفتر دادستانی در بازه زمانی گزارش فعلی، به گردآوری و دریافت اطلاعات درباره ارتکاب جرایم مورد ادعا واقع شده از جمله کشتار، ربایش، شکنجه و سایر انواع بد رفتاری، حمله به اهداف غیر نظامی، استفاده از سپر انسانی، اعمال مجازات از طریق ساختارهای قضایی موازی و استخدام و به کارگیری کودکان برای مشارکت موثر در مخاصمات پرداخته است.

۱۱۸. بنابر اعلام «هیات امدادی سازمان ملل در افغانستان» (UNAMA)، بیش از ۲۳ هزار غیر نظامی در جریان مخاصمات افغانستان در بازه زمانی ژانویه ۲۰۰۷ تا ژوئن ۲۰۱۵ کشته شده اند. اعضای گروه‌های مسلح مخالف دولت مسئول کشتار دست‌کم ۱۵ هزار نفر

شدیدترین جرایم برعهده دارند، مورد استفاده قرار نگرفته است.

۱۲۴. پارلمان افغانستان، در سال ۲۰۰۷ قانون عفو عمومی تصویب کرد که در سال ۲۰۰۹ توسط رئیس جمهور امضا و تبدیل به قانون شد. قانون "عفو عمومی و ثبات ملی" برای تمامی طرفین متخاصم از جمله "اشخاص و گروه‌هایی که همچنان مخالف دولت اسلامی افغانستان هستند"، مصونیت‌های قانونی آن هم بدون مرور زمان و یا مستثنا کردن جرایم بین‌المللی، فراهم می‌کند. پیش از تصویب قانون عفو، تنها یک عضو عالی رتبه یک گروه مسلح (عبدالله صالح، یکی از فرماندهان اتحاد اسلامی) برای جرایم ارتکاب یافته در ۱۹۹۲-۹۳ محاکمه شده بود.

۱۲۵. شدت^۵: بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ میلادی، به صورت تخمینی، تلفات ۳۷۰۰۰ غیر نظامی (۱۴۷۰۰ مرگ و ۲۲۳۰۰ زخمی) به گروه‌های مسلح مخالف دولت، به دلیل استفاده‌ی آن‌ها از مواد منفجره دست‌ساز، منتسب شده است. بسیاری از جرایم انتسابی با هدف ترساندن و ایجاد رعب میان جمعیت غیرنظامی محلی، به عنوان وسیله‌ای برای کنترل ایشان ارتکاب یافته‌اند. موج کشتار هدف‌دار سیاستمداران، کارکنان دولت، رهبران قبیله‌ای و اجتماعی و محققان مذهبی اثرشدیدی بر جوامع محلی داشته است که از جمله آن‌ها رد کمک‌های بشردوستانه و خدمات بنیادین دولت مانند مراقبت‌های بهداشتی می‌باشد. دفتر دادستانی همچنین، در حال ارزیابی اثر جرایم مورد ادعای واقع شده بر زندگی زنان و دختران، و از جمله حق ایشان بر دسترسی به تحصیلات، می‌باشد.

نیروهای دولت افغانستان

۱۲۶. صلاحیت تکمیلی: دولت افغانستان تنها تعداد معدودی پرونده قضایی علیه متهمان به جریان انداخته است. باوجود گستره‌ی بدرفتاری در بازداشتگاه‌های NDS و ANP (بر اساس یافته‌های برنامه نظارت بازداشت UNAMA، حدوداً ۳۵ تا ۵۱ درصد از بازداشت‌شدگان مرتبط با مخاصمه مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند) اطلاعات آرایه شده توسط دولت افغانستان به UNAMA حاکی از آن است که تا به امروز دولت تنها دو تن از مقامات رسمی NDS

۱۲۱. متعاقب ارزیابی جامع حقوقی اطلاعات موجود، دفتر دادستانی در حال بررسی قابلیت پذیرش پرونده‌های احتمالی برخاسته از رفتار سه گروه مجزا از مرتکبان می‌باشد: اعضای طالبان و گروه‌های وابسته آن‌ها (گروه‌های مخالف دولت)، اعضای نیروهای دولتی افغانستان و اعضای نیروهای بین‌المللی. اطلاعات بیشتر در مورد رفتارهای اتهامی مربوط به هرکدام از پرونده‌های احتمالی، در گزارش‌های قبلی مفصلاً بررسی شده است. انتخاب پرونده‌های احتمالی که اینجا مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، بدون تاثیر گذاری بر اعتبار یافته‌های بعدی در مورد صلاحیت موضوعی است که بر اساس اطلاعات جدید که دفتر دادستانی در آینده می‌تواند دریافت کند، شکل می‌گیرند. علاوه بر این عنوان مجرمانه این پرونده‌ها و هر جرم مورد اتهام دیگر در مرحله بعدتر ممکن است مورد بازنگری واقع گردد.

۱۲۲. خلاصه‌ای کوتاه از اطلاعات مربوط به بررسی قابلیت پذیرش هریک از پرونده‌های احتمالی در ادامه آورده شده است. این اطلاعات یک نمونه محدود از اطلاعاتی است که توسط دفتر دادستانی در دست بررسی است و نمی‌بایست به مثابه یک اماره برای نتیجه‌گیری خاصی در مورد قابلیت پذیرش وضعیت افغانستان که تحلیل آن در حال استمرار است در نظر گرفته شود.

گروه‌های مخالف دولت

۱۲۳. صلاحیت تکمیلی^۶: اعضای گروه‌های مسلح مخالف دولت که در جریان مخاصمه مسلحانه جاری دستگیر و بازداشت شده‌اند، به طور کلی متهم به ارتکاب «جرایم علیه حکومت» می‌باشند که در قانون کیفری ۱۹۷۶، قانون کیفری راجع به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ۱۹۸۷ و قانون مبارزه با جرایم تروریستی ۲۰۰۸ جرم‌انگاری شده‌اند. اگرچه قانون دادرسی کیفری اجازه‌ی دادرسی غیابی را می‌دهد، این مقرره در مورد اعضای گروه‌های مسلح مخالف دولت که از دستگیر شدن طفره رفته‌اند، شامل کسانی که بیشترین مسئولیت را درقبال ارتکاب

^۴ صرف وقوع جرایم داخل در صلاحیت دیوان برای آغاز تحقیقات کافی نیست بلکه برای اعمال صلاحیت دو شرط می‌بایست تامین شود که از آن به قابلیت پذیرش تعبیر می‌شود که عبارتند از رعایت صلاحیت تکمیلی و شدت کافی داشتن یک وضعیت.

^۵ صلاحیت دیوان نسبت به محاکم ملی تکمیلی است. این بدان معناست که وظیفه تعقیب جرایم بین‌المللی در وهله نخست بر عهده دولت‌های ملی محلی است و تنها در صورت عدم اقدام و یا مایل یا قادر نبودن ایشان به انجام یک تحقیق اصیل دیوان مداخله می‌کند.

^۶ محدودیت‌های مادی دیوان مانع از آن است که این نهاد بتواند به همه جرایم واقع شده رسیدگی کند بنابراین مجبور به گزینشگری است و می‌بایست شدیدترین وضعیت‌ها را برگزیند. در احراز شدت یک وضعیت معیارهای کمی و کیفی مانند گستره تلفات و همچنین میزان اثرگذاری جرایم واقع شده در نظر گرفته می‌شود.

اقدامات کیفری، تحقیقات اداری بوده است، اگرچه برخی از آن‌ها این قدرت را دارا بودند که در حدود اختیار خود، توصیه‌هایی مرتبط با مسئولیت شخصی ارائه دهند. برخی از این گزارشات نتیجه گرفتند که سوء استفاده‌ها در نتیجه سیاست‌های رهنمودی نا معلوم، تعلیم ناکافی و قصور فرماندهی بوده است، اما اقدامات انضباطی که برای فرماندهان پیشنهاد شده است از سطح فرمانده تیپ بالاتر نرفته است.

۱۳۰. شدت: دفتر دادستانی در حال ارزیابی اطلاعات مرتبط است تا میزان بدرفتاری و همچنین اینکه آیا جرایم جنگی شناسایی شده به عنوان بخشی از یک برنامه یا سیاست ارتکاب یافته اند را تعیین کند. اطلاعات موجود اشاره به آن دارند که قربانی‌ها عمده‌اً موضوع خشونت‌های جسمی و روانی قرار گرفته‌اند و آن جرایم با بی‌رحمی خاص و با روشی که کرامت انسانی قربانیان را نقض می‌کند، ارتکاب یافته‌اند. تحمیل "تکنیک‌های بازجویی پیشرفته" و در ترکیب با یکدیگر در مدت زمانی طولانی موجب صدمات جسمی و روحی جدی بر قربانیان می‌شوند. طبق گزارش‌ها، برخی از قربانیان مشکلات روحی و رفتاری از جمله متوهم شدن، پارانوئید، بی‌خوابی و تلاش‌هایی برای خود آزاری و خودزنی، نشان داده‌اند.

فعالیت‌های دفتر دادستانی دیوان

۱۳۱. در طول دوره گزارش، دفتر دادستانی به جمع‌آوری و تایید اطلاعات درباره جرایمی که در وضعیت افغانستان رخ داده‌اند، و به اصلاح تعیین پرونده‌های احتمالی با هدف ارزیابی قابلیت پذیرش آنها، ادامه داد. دفتر دادستانی همچنین به جمع‌آوری اطلاعاتی که برای توانمندسازی نسبت به انجام ارزشیابی کامل تری نسبت به اعتبار منابع اطلاعاتی درباره جرایم، مورد نیاز بود ادامه داد. دفتر دادستانی اطلاعات مرتبط برای احراز کردن قابلیت پذیرش پرونده‌های بالقوه‌ای که به احتمال زیاد در نتیجه تحقیقات در این وضعیت مطرح خواهند شد، جمع‌آوری و تحلیل کرد.

۱۳۲. علاوه بر آن، دفتر دادستانی با دولت‌های مرتبط و سایر فراهم‌کنندگان اطلاعات، با نظر به ارزیابی اتهامات و اقدامات قضایی ملی به همکاری پرداخت و گام‌هایی در جهت ترمیم شکاف اطلاعاتی از جمله در ارتباط با انتساب وقایع، نظامی یا غیر نظامی بودن ماهیت یک هدف، تعداد تلفات غیرنظامی و یا نظامی در نتیجه یک واقعه مشخص، و وجود یک دادرسی ملی، برداشت.

(در ارتباط با یک واقعه)، و البته هیچ یک از مقامات ANP را برای بد رفتاری تحت تعقیب قرار داده است. دولت افغانستان، با وجود درخواست‌های متعدد دفتر دادستانی از سال ۲۰۰۸ میلادی، اطلاعاتی در خصوص اقدامات قضایی ملی، ارائه نکرده است.

۱۲۷. شدت: حدود ۵۰۰۰ بازداشت شده مرتبط با مخاصمه افغانستان در بازداشتگاه‌های دولت افغانستان وجود دارند. شیوه ارتکاب جرایم مخوف به نظر می‌رسند و ظاهراً به نحوی محاسیه شده بودند که که حداکثر رنج ممکن را تحمیل کنند. جرایم مورد اتهام اثرات کوتاه مدت و بلند مدت شدیدی بر سلامت جسمی و روانی بازداشت‌شدگان، از جمله جراحات جسمی دائمی داشته است.

نیروهای بین‌المللی

۱۲۸. صلاحیت تکمیلی: دادگاه‌های نظامی و مدنی ایالات متحده می‌توانند صلاحیت خود را نسبت به رفتارهای مجرمانه‌ای که در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی هستند (یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نابودسازی جمعی/نسل‌کشی)، حتی زمانی که خارج از ایالات متحده و توسط اتباع آن دولت ارتکاب یافته باشند، اعمال کنند. وزارت دادگستری آمریکا یک بررسی مقدماتی دو ساله (از آگوست ۲۰۰۹ تا ژوئن ۲۰۱۱) در خصوص اتهامات مرتبط با بدرفتاری با بازداشت‌شدگانی که در توقیف سازمان اطلاعات مرکزی CIA هستند انجام داد که شامل اتهامات مرتبط با بدرفتاری با ۱۰۱ بازداشتی بود. در نتیجه این بررسی، دادستان کل آمریکا، تحقیقات کیفری کاملی را در خصوص پرونده دو بازداشت‌شده که در بازداشتگاه سازمان سیا فوت کرده بودند، انجام داد. هر دو این تحقیقات در آگوست ۲۰۱۲ تکمیل شدند اما منجر به هیچ کیفرخواست و یا تعقیب نگردید. دادستان کل توضیح داد که "وزارت دادگستری تعقیب کیفری را رد کرد به این دلیل که ادله پذیرفته شده برای تحصیل و اثبات یک محکومیت فراتر از هر گونه شک معقول کفایت نمی‌کرد."

۱۲۹. دولت ایالات متحده به کمیته ضد شکنجه اعلام کرد که وزارت دفاع از سال ۲۰۰۱ هزاران تحقیق انجام داده است و صدها نیروی دولتی را برای بدرفتاری با بازداشت‌شدگان و سایر سوءرفتارها، تحت تعقیب و یا برخورد انضباطی قرار داده است. وزارت دفاع حداقل ۱۳ تحقیقات در سطح ارشد در واکنش به اتهامات بدرفتاری با بازداشت‌شدگان انجام داده است. این تحقیقات، به جای

۱۳۳. در اکتبر ۲۰۱۵، دفتر دادستانی جهت ارزیابی امنیتی هیاتی به کابل گسیل داشت. با این حال، تا امروز ماموریت های برنامه ریزی شده دفتر برای ارزیابی قابلیت پذیرش در اثر اوضاع و احوالی که اجازه انجام آن را نمی دهد، مختل شده است.

نتیجه و گام های آتی:

۱۳۴. همزمان با تداوم ارزیابی جرایم ارتكابی مورد ادعا واقع شده در افغانستان، دفتر دادستانی دیوان ارزیابی خود را در خصوص قابلیت پذیرش موضوعات نهایی می کند؛ از جمله با گردآوری اطلاعات در مورد وجود و اصالت دادرسی های ملی مرتبط، و با در نظر گرفتن خط مشی دادستانی دیوان مبنی بر تمرکز بر کسانی که بیشترین مسئولیت را برای شدیدترین جرایم دارند.

۱۳۵. دفتر دادستانی دیوان، همچنان به گردآوری اطلاعات مرتبط برای ارزیابی اینکه آیا دلایل محکم برای باورمندی به اینکه انجام تحقیقات به نفع عدالت نمی باشد خواهد پرداخت، پیش از تصمیم گیری در مورد اینکه آیا از شعبه پیش-دادرسی برای آغاز تحقیقات نسبت به وضعیت افغانستان اجازه بگیرد یا خیر.